



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

مسئولیت مدنی وکیل در حقوق موضوعه

محمد صادق صباحی

کارشناس حقوق و طلبه سطح سه حوزه علمیه قم

(mmsabahi98@gmail.com)

چکیده

قانون مسئولیت مدنی؛ به طور عام در بردارنده موارد مسئولیت مدنی اشخاص در روابط حقوقی خود اعم از؛ اعمال حقوقی و وقایع حقوقی است که قانونگذار وقت، با در نظر گرفتن نظریه تقصیر آن را وضع کرده است. به این معنا که مسئولیت اشخاص در روابط حقوقی منوط به فعل یا ترک فعل تقصیر آمیز است. هر چند در برخی موارد قانونگذار از این قاعده عدول کرده است که جنبه استثنایی داشته و موضوع بحث نیست. در این مقاله در پی بررسی این امر هستیم که موارد مسئولیت مدنی وکیل با توجه به قوانین عامه مدنی و مسئولیت مدنی و همچنین قوانین خاصه مربوط به وکالت کجاست؟ این مقاله که به روش کتابخانه ای نوشته شده است، نشان خواهد داد که موارد تقصیر اشخاص وکیل اعم از مدنی و دادگستری؛ در چه مواردی است، که به واسطه آن بتوان جبران خسارات وارده را مطالبه کرد. همچنین، پس از پرداختن به موارد مسئولیت وکلا، ضمانت اجرای اعمال و رفتار ایشان، در ضمانت های حقوقی عدم نفوذ، بطلان و صحت بررسی شده است.

کلمات کلیدی: حقوق موضوعه، مسئولیت مدنی، وکیل دادگستری، وکیل مدنی.

مقدمه

عقد وکالت به عنوان یکی از عقود معین در فقه و قانون مدنی، یکی از شایع ترین عقود؛ در میان عقود معین است، که روزانه بارها به صورت یک عقد مستقل و یا به صورت درج در ضمن عقد، مورد استفاده قرار می گیرد. وکالت در ضمن عقودی همچون عقد نکاح و بیع بسیار شایع بوده و به صورت مستقل نیز به دو شکل وکالت مدنی و وکالت در دعاوی مورد استفاده قرار می گیرد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



وکالت به معنی نیابت دادن موکل به وکیل برای انجام اعمال حقوقی است. به این بیان که؛ وکالت باعث می‌شود وکیل با اعمال نیابت از جانب موکل، اعمالی را به حساب وی انجام دهد؛ مالی را انتقال داده یا انتقال پذیرد و یا عملی را انجام دهد که برای موکل تکلیف آور باشد؛ نظیر نکاح، اقامه ی دعوا، دفاع از دعوا و غیره. در این میان این امکان وجود دارد که شخص وکیل با خیانت علیه موکل خود، اعمالی را به ضرر موکل و سود خود یا ثالث، انجام داده و یا حتی در فرض منتفی بودن خیانت، با ارتکاب تقصیر، مصلحت موکل را در اعمال خود لحاظ نکرده یا خارج از حدود اذن موکل اقدام کرده باشد که احیاناً باعث ایجاد خساراتی بر موکل شده باشد.

با توجه به آن چه گفته شد و التفات به این مساله که سابقاً پژوهشی مستقل و منظم در باب مسئولیت مدنی وکیل صورت نگرفته، ضرورت طرح و پاسخ به مسائل این مبحث روشن می‌شود. هدف این پژوهش پاسخ به این پرسش اساسی است؛ موارد مسئولیت مدنی شخص وکیل چیست؟ و این که قانون چگونه از موکل در برابر این اقدامات محافظت می‌کند؟

این پرسش ها نیاز افرادی که در معرض انعقاد عقد وکالت قرار می‌گیرند را بر طرف می‌نماید که قطعاً آگاهی از حقوق شخصی، نیمی از تضمین حقوق افراد است.

این نوشتار؛ به روش کتابخانه ای و توصیفی نگاشته شده و پاسخ مسائل را از قوانین مدون در پنج بخش میدهد.

۱- توضیح واژگان کلیدی

۱-۱- حقوق موضوعه:

«حقوق دارای دو معنی است: یکی جمع حق، و آن اختیاری است که برای افراد در جامعه شناخته شده که می‌توانند عملی را انجام دهند و می‌توانند آن را ترک نمایند. حقوق در معنی دیگر عبارت می‌باشد از؛ مجموع قواعد الزامی که برای نظم روابط افراد و بهبودی وضعیت جامعه وضع گردیده است.» (امامی، بی تا: ۶۵).

بنابراین؛ حقوق موضوعه؛ مجموعه قواعدی است که جهت تنظیم روابط افراد در جامعه توسط نهادهای قانونگذاری با رعایت شرایط قانون اساسی وضع و لازم الاجرا می‌شود.

۱-۲- مسئولیت مدنی:

مسئولیت در لغت به معنای آنچه که انسان عهده دار و مسئول آن باشد؛ از وظایف و اعمال و افعال. (عمید، ۱۳۷۴: ۱۰۸۲).

مسئولیت مدنی به معنای اعم؛ شامل مسئولیت ناشی از قرارداد و مسئولیت خارج از قرارداد می‌شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



«مسئولیت قراردادی، در نتیجه اجرا نکردن تعهدی که از عقد ناشی شده است به وجود می‌آید. کسی که به عهد خود وفا نمی‌کند و بدین وسیله باعث اضرار هم پیمانانش می‌شود باید از عهده خسارتی که به بار آورده است، برآید» (جمعی از مولفان، بی‌تا: ۲۴۴). ماده ۲۲۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است، مشروط بر این که جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد، عرفاً به منزله‌ی تصریح باشد و یا بر حسب قانون، موجب ضمان باشد.»

مسئولیت مدنی به معنای اخص و الزامات خارج از قرارداد در کلام حقوقدانان و ضمان قهری در کلام فقها به کرات مورد استفاده قرار گرفته است. هر سه عنوان در لسان حقوقدانان مصطلح است ((... «مسئولیت مدنی» در معنای مضیق و اخص خود تنها شامل مسئولیت‌های غیر قراردادی است که از آن در فقه و قانون مدنی به ضمان قهری یاد کرده‌اند... یعنی ضمان قهری و الزامات خارج از قرارداد؛... بنابراین، مسئولیت مدنی عبارت است از الزام شخص به جبران خساراتی که در نتیجه عمل منتسب و مرتبط به او، به دیگری وارد آمده است.)) (طاهری، ۱۴۱۸: ۲۱۳).

۳-۱- وکیل دادگستری:

در بررسی لغوی وکیل گفته شده است «وکلّت» به معنای واگذاری امر به دیگری است و «وکیل» فعیل به معنای مفعول است چرا که امری به او واگذار و موکول شده است» (فیومی، بی تا: ۳۷۰).

وکالت در اصطلاح شامل وکالت به معنا اعم؛ که شامل وکالت مذکور در فقه و قانون مدنی (وکالت مدنی) و وکالت به معنای اخص می‌شود. وکالت به معنای اخص؛ وکالت دادگستری است که افزون بر قانون مدنی تابع مقررات ویژه‌ای می‌باشد.

ماده ۶۵۶ قانون مدنی چنین تعریف نموده است «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید.»

امام خمینی در خصوص عقد وکالت می‌نویسند: «وکالت، سپردن کاری به دیگری است تا آن را در حال حیاتش، برایش انجام دهد؛ یا راه انداختن امری از امور را برای او در حال حیاتش، به او ارجاع دهد.» (امام خمینی، ۱۴۲۵: ۶۷).

یکی از حقوقدانان در تفسیر ماده ۶۵۶ قانون مدنی چنین می‌نویسد «وکالت به عنوان یکی از عقود اذنی است که تعریف آن را می‌شود از آثاری که این عقد به بار می‌آورد استنباط کرد. اثر عقد وکالت اعطای نیابت است: بدین معنا که موکل اقدام وکیل را، در انجام دادن اعمال حقوقی، به منزله‌ی اقدام خود می‌داند و به او اختیار می‌دهد که به نام و حساب موکل تصرفاتی کند. بنابراین، وکیل نسبت به آثار امری که انجام می‌دهد، در حکم واسطه است و آن چه می‌کند برای موکل است: تعهدهایی که پذیرفته است بر موکل تحمیل می‌شود و اگر نفعی در بین باشد برای اوست.» (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۶۵).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

پس از ملاحظه آثار فقها و حقوقدانان روشن می‌شود که وکالت فراتر از اذن صرف در انجام امور است. بلکه نوعی نیابت در تصرف است که باید در قالب اعمال حقوقی باشد و امور مادی قابل توکیل نمی‌باشند.

۴-۱- وکالت دادگستری:

در خصوص امر وکالت به معنای اخص، از سال ۱۳۳۱ هجری شمسی، با تدوین لایحه استقلال قانون وکلا دادگستری در بیست و سه ماده، وکالت در طرح و اقامه‌ی دعوا و پیگیری آن به اشخاصی که دارای شرایطی خاص باشند واگذار گردید. پس از تصویب این قانون وکالت در دعاوی توسط وکلایی که موفق به اخذ پروانه وکالت؛ مطابق قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶ تحت عنوان وکلا دادگستری شده‌اند و همچنین وکلایی که مطابق آیین‌نامه‌ی اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۹۷ رئیس قوه قضائیه، تحت عنوان وکلا قوه قضائیه شده‌اند، امکان پذیر می‌باشد و از اشخاص ثالث حتی با وکالت محضری یا مدنی، قبول وکالت در دعوا نمی‌شود. به لحاظ منطقی بین وکالت دادگستری و وکالت مدنی، رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد.

۲- قواعد حاکم بر وکالت

مقررات وکیل ایران در دو منبع ذکر شده است. اولین منبع، قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ به عنوان قانون عام در فصل سیزدهم، از مواد ۶۵۶ تا ۶۸۳ به عقد وکالت پرداخته است. تعریف وکالت: ماده ۶۵۶ قانون مدنی چنین بیان می‌کند که «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید» بنابراین عقد وکالت از عقود معین بوده، یعنی شارع مقدس، شرایط و نحوه تشکیل تا انحلال آن را پیش بینی کرده است.

۱-۲- طرق ایجاد وکالت:

به موجب ماده ۶۵۸ قانون مدنی ایجاب و قبول وکالت با هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن کند واقع می‌شود. اعطای وکالت می‌تواند به طور مطلق و یا مقید باشد که بنا به ماده ۶۶۱ قانون مدنی «در صورتی که وکالت به طور مطلق باشد فقط مربوط به اداره کردن اموال موکل خواهد بود.» مساله مهمی که در تحقق وکالت شرط است آن است که «وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را بجا آورد. وکیل هم باید کسی باشد که برای انجام آن امر اهلیت داشته باشد. ۶۶۲ قانون مدنی» و اما مساله مهمی که در بحث انعقاد عقد وکالت به موجب ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی به آن باید پرداخت این است که؛ در مقررات راجع به وکالت مطلبی راجع به تفاوت موکل و وکیل و موکل علیه به لحاظ دین، ذکر نشده است، در حالی که به



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

حکم قاعده‌ی نفی سبیل (و لن یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلاً. نساء، ۱۴۱) برخی از شقوق این قضیه جایز نبوده و بنا بر حکم آیه شریفه ممنوع می‌باشد.

« در صورت مسلمان بودن یا نبودن تمام یا بعضی از وکلا و موکلین و موکل علیه‌ها هشت صورت حاصل می‌شود...»

۱- اگر که موکل و وکیل از اهل ذمه باشند و موکل علیه مسلمان باشد. این صورت جایز نیست.

۲- اگر وکیل از اهل ذمه باشد و موکل و موکل علیه مسلمان. حق آن است که این هم جایز نیست

... پس معلوم شد که از این هشت صورت دو صورت آن جایز نیست و آن دو صورت همان است که وکیل از اهل ذمه باشد و موکل علیه مسلمان. و مخفی نماند که حکم کافری که غیر از اهل ذمه باشد هم حکم اهل ذمه دارد. و الله یعلم.» (نراقی، ۱۴۲۵: ۳۵۲). نکته قابل توجه این است که مساله فوق از قواعد آمره بوده و به هیچ وجه، حتی با تراضی طرفین قابل عدول نمی‌باشد.

۲-۲- تعهدات وکیل و موکل:

وکیل باید کار موکل را، آن چنان که گویی کار خود است انجام دهد و در نهایت دلسوزی و رعایت مصلحت، موضوع وکالت را انجام دهد. در صورتی که در نتیجه تسامح یا عمد؛ اقدامی به ضرر موکل انجام دهد، مسئول است. چرا که وی در نتیجه‌ی عقد وکالت قبول مسئولیت نموده است. لذا بایستی تعهد موضوع عقد وکالت را به درستی انجام داده و در صورت عدم توانایی در موقع مناسبی استعفا دهد.

همچنین بحث در خصوص تعهدات وکیل و خسارات وارده به موکل در نتیجه عدم انجام وظیفه از سوی وکیل یا تقصیر از سوی وی، مستلزم طرح مساله تسبیب می‌باشد، چرا که عموماً مسئولیت مدنی وکیل، ناشی از تسبیب در تلف مال یا نفع موکل می‌باشد.

تسبیب بنا به تعریف فقها « هر فعلی که به سبب آن تلف مال یا نفعی حاصل شود مانند حفر چاه در ملک غیر...^۱ » (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۸۶).

گاه اتفاق می‌افتد که میان قاعده تسبیب و احسان تعارض حاصل می‌شود مانند جایی که شخصی جهت رد شدن عموم مردم از رودخانه، سنگی میان آن می‌گذارد که موجب خسارت به دیگری در حین رد شدن از رودخانه می‌شود. در این جا مشهور بر آن است که قاعده احسان بر قاعده تسبیب حاکم است.

^۱ و هو کل فعل يحصل التلف بسببه كحفر البئر فی غیر الملك و كطرح المعائر فی المسالك.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

قانون مدنی در ماده ۶۶۶ مقرر می‌دارد که «هرگاه از تقصیر وکیل خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب می‌گردد مسئول خواهد بود» همچنین بنا به قاعده لزوم رعایت مصلحت موکل در تصرفات و اقدامات وکیل تصریح کرده و او را از تجاوز از حدود و ثغور مصرّحه در قانون و عرف امر مورد وکالت، منع کرده است.

۳-۲- طرق انقضای وکالت:

به موجب ماده ۶۷۹ قانون مدنی؛ وکالت به طرق ذیل مرتفع می‌شود: ۱- به عزل موکل. ۲- به استعفای وکیل. ۳- به موت یا جنون وکیل یا موکل.

البته با توجه به اذنی بودن عقد وکالت و این که عقود اذنی از زمره عقود جایز هستند، عقد وکالت نیز جزء عقود جایز محسوب می‌شود. عقد جایز بنا به تعریف قانون مدنی در ماده ۱۸۷، آن است که هر یک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد آن را فسخ کند

اما باید توجه داشت که طرق ارتفاع وکالت صرفاً همان طرق مذکور در ماده ۶۷۸ قانون مدنی نیست و باید به طرق مذکور، موارد ذیل را نیز افزود:

۱- با توجه به ملاک ماده ۹۵۴ قانون مدنی، در خصوص عقود جایز مقرر می‌دارد «کلیه عقود جایزه به موت احد طرفین منفسخ می‌شود و همچنین به سَفَه؛ در مواردی که رشد معتبر است.» لذا فوت، جنون، سفه وکیل یا موکل موجب بطلان عقد وکالت می‌شود.

۲- همچنین با از بین رفتن متعلق یا موضوع وکالت، عقد وکالت مرتفع می‌شود. در این باره ماده ۶۸۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد «هر گاه متعلق وکالت از بین برود یا موکل عملی را که مورد وکالت است خود، انجام دهد یا به طور کلی عملی که منافای با وکالت وکیل باشد؛ به جا آورد مثل این که مالی را که برای فروش آن وکالت داده بود، خود بفروشد، وکالت منفسخ می‌شود.»

۳- احکام مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی^۲ به معنای خاص خود شامل دو مسئله اِتلاف و تسبیب می‌شود. «مسئولیت مدنی عبارت است از تعهد و الزامی که شخص نسبت به جبران زیان وارده به دیگری دارد. اعم از آن که زیان مذکور در اثر عمل شخص مسئول یا عمل اشخاص وابسته به او یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد.» (بجنوردی، ۱۴۰۱: ۱۹۵).

^۲) Responsabilité civile



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

در اینجا چند پرسش اصلی مطرح می‌شود و آن این است که مبنای ایجاد مسئولیت چیست؟ ارکان مسئولیت مدنی چیست؟ ضرر بر چند قسم است؟ که به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۳- مبنای مسئولیت مدنی چیست؟

در حقوق ایران برابر رای وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره ۷۴۷ مورخ ۲۹/۱۰/۱۳۹۴، «از شرایط برقراری مسئولیت مدنی، وجود تقصیر است.»

در همین خصوص ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ قابل توجه است؛ «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» پذیرفته شدن نظریه تقصیر، کاملاً از عبارت «عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی» بر می‌آید.

۲-۳- ارکان مسئولیت مدنی چیست؟

پس از بررسی مبانی مسئولیت مدنی، نوبت به شرایط عمومی تحقق مسئولیت مدنی می‌رسد. ارکان یا شرایط مسئولیت مدنی از قرار ذیل است: ۱_ ضرر. ۲_ تقصیر فاعل. ۳_ رابطه سببیت بین فعل فاعل و ضرر.

که هر کدام از این عناصر به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرند:

(۱) ضرر: ضرر در لغت به معنای «نقصانی که به چیزی وارد می‌شود. گفته می‌شود: به مالش ضرر وارد شد»^۲ (زمخشری، ۱۴۱۷: ۱۷۳). در اصطلاح نیز از معنای لغوی خود دور نیست. «ضرر دارای مفهوم عرفی است و عرف برای آن معنی گسترده‌ای قائل است که شامل هر گونه زیان مادی و معنوی و بدنی از جمله عدم النفع است.» (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۹۸).

لکن هر نوع ضرری قابل جبران نیست. بلکه ضرری قابل جبران است که دارای شش شرط کلی باشد:

الف) مسلم باشد.

ب) مستقیم و بی واسطه باشد.

^۲ الضَّرَر: نقصانٌ یدخل فی الشیء،، یقال: دخل علیه ضَرَرٌ فی ماله.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ج) شخصی باشد.

د) ضرر باید در نتیجه ی لطمه‌ای که به حق شخص یا نفع مشروع او وارد شده پدید آمده باشد. (همان ۱۰۵).

ه) قبلاً جبران نشده باشد.

و) ضرر قابل پیش بینی باشد.

۳-۳- ضرر بر چند قسم است؟

در یک تقسیم بندی کلی ضرر به دو قسم ضرر مادی و معنوی تقسیم می‌شود. «ولی توجه به این نکته که اغلب ضرر معنوی؛ همراه با ضرر مادی است قابل اهمیت است.» (طاهری، ۱۴۱۸: ۳۴۶). ضرر مادی، زبانی است که به مال یا حقوق مالی وارد می‌شود. ضرر یا زیان معنوی نیز؛ زبانی است که به یکی از حقوق معنوی مانند روان شخص وارد می‌شود.

۴- مسئولیت وکیل به مفهوم اعم

۴-۱- شرایط عام مسئولیت مدنی وکیل به مفهوم اعم

وکالت یک عقد مستقل جایز است و بنابراین مشمول قواعد عمومی قراردادها می‌شود. زیرا وکیل زمانی مسئول است که عقد وکالت به طور صحیح و قانونی منعقد شده باشد. در غیر این صورت اعمال وی در حق موکل حکم اعمال فضولی را خواهد داشت که نیاز به تنفیذ دارد. برای صحت انعقاد هر عقد، قانون مدنی در ماده ۱۹۰ مقرر میدارد: «برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است: ۱) قصد طرفین و رضای آن‌ها. ۲) اهلیت طرفین. ۳) موضوع معین که مورد معامله باشد. ۴) مشروعیت جهت معامله.»

۴-۲- موارد مسئولیت وکیل در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی

مطابق قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، ابتدائاً مسئولیت وکیل به عنوان شخصی از اشخاص مشمول این قانون مورد بررسی قرار می‌گیرد، و در بررسی سایر مقررات نیز می‌بایست آن‌ها را ناظر بر قانون خاص مسئولیت مدنی تفسیر و تبیین کرد.

۱- قانونگذار در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی

احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

مطابق این ماده هر شخصی اعم از حقیقی و حقوقی که در نتیجه‌ی فعل یا ترک فعل خود، چه به صورت عمدی و یا ناشی از بی احتیاطی و به طور کلی، به موجب تقصیر^۴ موجب ورود خسارت به دیگری شود، مسئول جبران خسارت است.

به عنوان مثال در صورتی که وکیل دادگستری به موجب بند ۱ ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی، وکالت در اعتراض به رای، تجدیدنظر، فرجام خواهی و اعاده دادرسی داشته باشد و نسبت به رای قابل تجدیدنظر در مهلت قانونی اقدام نکند، موکل حق تجدیدنظر خواهی را از دست خواهد داد. و بعضاً با قطعیت حکم، آثاری به او تحمیل خواهد شد که علاوه بر جنبه‌ی مالی و مادی دارای آثار سوء معنوی نیز می‌باشد و گاهاً جبران آن‌ها اگر گفته نشود که غیرممکن است بسیار دشوار است.

نهایتاً قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱ آن در مبحث مسئولیت وکیل به عنوان یک قاعده‌ی عام و کلی قابل رجوع می‌باشد.

۲- «وکیل باید در انجام وظایف وکالتی، مانند اعمال مربوط به خود؛ با کمال دل سوزی عمل کند و چنانکه در اثر عدم اقدام و یا تأخیر در آن و یا تسامح در انجام امور وکالتی، خسارتی متوجه موکل گردد وکیل مسئول آن خواهد بود، زیرا در اثر وکالت، وکیل تعهد به انجام عمل مورد وکالت نموده است و مسئول خسارات ناشی از عدم انجام تعهد می‌باشد. و جایز بودن عقد وکالت رافع مسئولیت نخواهد بود و هرگاه وکیلی نمی‌خواهد به وظایف خود عمل کند می‌تواند قبل از موعد از وکالت استعفا دهد.» (امامی، بی تا: ج ۲، ۲۲۴).

۳- ماده ۶۶۳ قانون مدنی: «وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد.»

« این امر در ذیل ماده ۶۶۷ قانون مدنی نیز تأکید شده که وکیل باید از آنچه موکل بالصراحه به او اختیار داده و یا بر حسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار او است تجاوز نکند. هر عملی که وکیل خارج از حدود وکالت انجام دهد نسبت به موکل فضولی می‌باشد و موکل می‌تواند آن را قبول و یا رد نماید. و در صورتی که موکل آن را نپذیرد و رد کند و مال به شخص ثالث داده شده باشد، وکیل مسئول خسارات وارده از آن، به موکل خواهد بود. و همچنین هرگاه شخص ثالث را آگاه به حقیقت امر ننموده مسئول خسارات وارده به او نیز می‌باشد.» (همان).

۴- ماده ۶۶۶ قانون مدنی: « هر گاه از تقصیر وکیل خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب می‌گردد، مسئول خواهد بود.»

۴) ماده ۹۵۳ قانون مدنی: تقصیر اعم است از تعدی و تفریط.

ماده ۹۵۱: تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف نسبت به مال یا حق دیگری. و در ماده ۹۵۲: تفریط، عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

این ماده شباهت زیادی به لحاظ آثار نسبت به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی دارد. مطابق این ماده در صورتی که وکیل مرتکب تقصیر شود از باب تسبیب ضامن جبران خسارت است.

« وکیل امین است و جز در صورت تعدی و تفریط ضامن نیست. و این حکم مورد اتفاق فقها می‌باشد. » (دادمرزی، ۱۳۹۵: ۴۰۸).

« احراز تقصیر وکیل در مواردی، با در نظر گرفتن نوع تعهدی که وکیل بر عهده می‌گیرد قابل اثبات است. به عنوان مثال در خصوص وکیل دادگستری «تعهد وکیل دادگستری، تعهد به وسیله است مگر در انجام برخی تکالیف معین مثل حضور در دادگاه.» (بیات و بیات ۱۳۹۹: ۵۲۴). در تمامی این موارد ضمان جبران خسارت بر عهده‌ی وکیلی است که از حدود اذن تعدی یا تفریط کرده و مرتکب تقصیر شده است.

۵- ماده ۶۶۷ قانون مدنی: «وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آن چه موکل بالصراحه به او اختیار داده یا بر حسب قرائن و عرف و عادت داخل در اختیار اوست تجاوز نکند.»

« در جایی که وکیل به عمد، مصلحت و غبطه موکل را رعایت نکند و به سود خود اقدام نماید، عمل او فضولی است (ماده ۱۰۷۴ قانون مدنی) به ویژه اگر با طرف معامله برای سوء استفاده از اختیار، تبانی کرده باشد» (همان).

۶- ۶۶۹ قانون مدنی: «هر گاه برای انجام امری دو یا چند نفر وکیل، معین شده باشد هیچ یک از آنها نمی‌تواند بدون دیگری یا دیگران دخالت در آن امر بنماید مگر این که هر یک مستقلاً وکالت داشته باشد، در این صورت هر کدام می‌تواند به تنهایی آن امر را به جا آورد.»

اگر هر یک به صورت منفرد اقدام کرده باشند از موارد ماده ۶۶۳ قانون مدنی محسوب و موکل مختار است که از بین هر دو عمل یکی را تنفیذ کند. در این صورت با تنفیذ عمل یکی از وکلا عمل دیگری باطل و بلا اثر می‌باشد و مسئولیت کار به عهده وکیل است که از حدود اذن تعدی یا تفریط نموده است.

مطابق نظر حقوقدانان «از لحن ماده ۶۶۹ قانون مدنی و اصول حقوقی (قدر متیقن از اختیار هر وکیل) بر می‌آید که حالت استقلال وکیلان امری است خلاف ظاهر و استثنایی، که باید به دلایلی احراز شود.» (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۴۴۳).

۷- ماده ۶۷۳ قانون مدنی: «اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته، انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود مسئول خواهد بود.»



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

در این صورت شخصی که اقدام به اخذ وکیل، به طور فضولی کرده است، نسبت به اقدامات وکیل مسئول است و وکیل هم نسبت به موکل همین حکم را دارد. چرا که خارج از حدود اذن اقدام نموده است. در این صورت، موکل می‌تواند برای جبران خسارت به صورت تضامنی به هر یک از دو شخص مذکور رجوع کند.

در خصوص نحوه‌ی رجوع موکل برای جبران خسارت باید اشاره کرد که «ضمان بر عهده وکیلی است که تلف به مباشرت او انجام شده است، پس اگر مالک به مباشرت تلف (وکیل دوم) رجوع کند، او حق رجوع مراجعه به وکیل اول را ندارد مگر این که وکیل دوم به فقدان اختیار وکیل اول [در توکیل] جاهل باشد که از باب قاعده غرور حق رجوع دارد، اما در صورت عکس آن، وکیل اول می‌تواند خسارت پرداخت شده را از وکیل دوم، مطالبه کند.» (پیشین ۵۲۷).

۳-۴- ضمانت اجرای مسئولیت مدنی وکیل به مفهوم اعم

با بررسی قواعد مربوط به مسئولیت مدنی وکیل، در قانون مسئولیت مدنی، قانون مدنی و فقه، نتیجه این می‌شود که؛ اعمال وکیل با سه ضمانت اجرا رو برو هست: صحت، بطلان و عدم نفوذ.

۱- صحت: به اتفاق فقها و حقوقدانان، وکیل امین محسوب می‌شود. و اعمال او در حدود اذن برای موکل تکلیف آور و در حق وی نافذ است. بنابراین در صورتی که وکیل اقدامی انجام دهد و شک شود که آیا رعایت غبطه موکل را کرده است یا خیر؟ بنابر اصل صحت و بنابراین که وی در اعمال و اقدامات خود امین است، باید حکم کرد که وی رعایت مصلحت موکل را کرده است، مگر این که تقصیر یا عدم رعایت مصلحت موکل در مرجع صالح احراز شود.

بنابراین هر گاه از تقصیر وکیل؛ خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب می‌گردد، مسئول خواهد بود.

۲- بطلان: بطلان یکی دیگر از موارد ضمانت اجرای اعمال وکیل است که در شرایط معینی تعیین شده است. بطلان اعمال وکیل، از دو منشا امکان دارد: اعمال و اصل عقد موجد وکالت.

الف) عدم امکان نیابت: در مواردی که اصل وکالت باطل می‌باشد، اعمال وکیل نیز به تبع آن باطل و بلا اثر است.

ب) نبود شرایط اساسی معاملات: در مواردی که هر یک از شروط معاملات مذکور در ماده ۱۹۰ قانون مدنی وجود نداشته باشد (به استثنای رضای طرفین که در آن صورت معامله غیر نافذ می‌شود) اساساً عقدی محقق نمی‌شود. و در نتیجه ضمان نیز منتفی است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۳- عدم نفوذ: ضمانت اجرای عدم نفوذ معامله زمانی است که شرایط اساسی معاملات محقق است لکن؛ اعمالی که پس از خروج وکیل از حدود اذن، عدم رعایت مصلحت موکل و بنا به نظر مشهور؛ در مورد وکالت فصولی نیز اعمال وکیل فصولی؛ پس از تنفیذ، صحیح است. موارد عدم نفوذ اعمال وکیل از قرار ذیل است:

الف) در اجرای ماده ۶۶۳ قانون مدنی؛ وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد. لذا خروج وکیل از حدود اذن و وکالت، باعث می‌شود که عمل انجام شده در حق موکل نافذ نبوده و صرفاً با تنفیذ وی، این عمل به حساب موکل محسوب می‌شود. در این صورت موکل می‌تواند با رد یا قبول عمل، وضعیت حقوقی عمل انجام شده را معین کرده و در صورت رد، وکیل؛ ضامن جبران خسارت طرف مقابل است.

ب) در اجرای ماده ۶۶۹ قانون مدنی: «وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود، مصلحت موکل را مراعات نماید و از آن چه موکل بالصراحه به او اختیار داده یا بر حسب قرائن و عرف و عادت داخل در اختیار اوست تجاوز نکند.»

ج) در اجرای مقتضای ماده ۶۶۹ قانون مدنی: «هر گاه برای انجام امری دو یا چند نفر وکیل معین شده باشد هیچ یک از آنها نمی‌تواند بدون دیگری یا دیگران دخالت در آن امر بنماید مگر این که هر یک مستقلاً وکالت داشته باشد، در این صورت هر کدام می‌تواند به تنهایی آن امر را بجا آورد.»

د) وکالت فصولی: «اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته، انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود؛ مسئول خواهد بود.»

این ماده راجع به وکالت فصولی بوده که مطابق قواعد عمومی مربوط به معاملات فصولی در اجرای مواد ۲۴۷ تا ۲۶۳ قانون مدنی عمل می‌شود. به این صورت که موکل حق رد یا قبول وکالت شخص ثالث را دارد.

اما نحوه جبران خسارت ناشی از تقصیر وکیل، در مواد ۲ به بعد قانون مسئولیت مدنی مورد اشاره قرار گرفته است. به موجب ماده ۲ قانون مذکور «در موردی که عمل وارد کننده زیان، موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر، او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید و چنانچه عمل وارد کننده زیان موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود.» بنابراین دادگاه معمولاً با مراجعه به کارشناس اولاً؛ ورود خسارت و ثانیاً؛ میزان آن را ارزیابی کرده و نهایتاً عامل زیان را به جبران خسارات وارده محکوم می‌کند. در همین ارتباط ماده ۳ قانون قوق الذکر مقرر می‌دارد که «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد، جبران زیان را به صورت مستمری نمی‌شود تعیین کرد مگر آن که مدیون تامین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آن که قانون آن را تجویز نماید.»

۵- مسئولیت مدنی وکیل به مفهوم اخص



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

وکیل دادگستری از جهتی مشمول مقررات عام وکالت و مسئولیت مدنی می‌باشد. و از جهتی دیگر، به علت عدم قبول وکالت اشخاص فاقد پروانه وکالت در محاکم قضایی « اقامه دعوا از سوی وکیل در صورتی ممکن است که شخص، وکیل دادگستری بوده و دارای پروانه وکالت باشد.» (همان ۵۲۳)، مشمول مقررات خاص راجع به وکالت دادگستری هستند.

۱-۵- شرایط مسئولیت مدنی وکیل به مفهوم اخص

شرایط وکیل دادگستری، از دو جنبه باید مورد بررسی قرار گیرد. جهت اول؛ بررسی مقررات وکالت از ناحیه قانون مدنی است، چراکه وی تحت عنوان عقد وکالت به امر وکالت در دادگاه می‌پردازد، بنابراین مشمول مقررات عام وکالت در قانون مدنی می‌باشد. جهت دوم؛ بررسی مقررات وکالت از دیدگاه قوانین خاص مربوط به وکالت در دعاوی است. که مهمترین آن، لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ است.

الف) مقررات مربوط به قانون مدنی: مراجعه به وکلا دادگستری عمدتاً به جهت طرح یا دفاع از دعوا مطروحه در دادگستری است، که در پی انعقاد عقد وکالت این نیابت به وکیل دادگستری داده می‌شود. در همین راستا وکلا و مراجعه کنندگان بایستی شریط مقرر در قانون مدنی و فقه (که سابقاً به طور مشروح بررسی شد) را تماماً رعایت کرده و در صورت عدم رعایت شرایط، با همان ضمانت اجرایی روبرو هستند که در قانون مدنی به آن پرداخته شده است. که به علت عدم اطلاع کلام از ذکر مجدد آن ها، خودداری می‌شود.

ب) مقررات مربوط به قوانین خاص وکالت در دادگستری: مقررات موجود در قوانین راجع به وکالت از قبیل؛ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ و نظامنامه آن، لایحه استقلال کانون وکلا دادگستری مصوب ۱۳۳۳ و آیین نامه آن، قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب ۱۳۷۶، قانون نحوه اصلاح کانون های وکلا دادگستری مصوب ۱۳۷۰، آیین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب ۱۳۹۸ رئیس قوه قضائیه، همگی عمدتاً در بردارنده یک سری مسئولیت‌های انتظامی هستند که اگر از رهگذر آن ها گاهاً خسارت یا خساراتی متوجه موکل یا اشخاص ثالثی شود، مطابق قوانین عام (قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی) قابل جبران است. علی رغم ذکر فصول مختلف در این قوانین، چیزی تحت عنوان مسئولیت مدنی وکیل به طور کلی ذکر نشده است.

با این حال؛ با بررسی مواد این قوانین، مطالبی راجع به مسئولیت مدنی وکلا دادگستری وجود دارد که شایسته است به آن‌ها پرداخته شود.

در انعقاد قرارداد وکالت ما بین وکیل و موکل، اولاً؛ وکیل باید دارای پروانه وکالت دادگستری فعال باشد. چرا که به موجب ماده ۵۵ قانون وکالت: «وکلا معلق و اشخاص ممنوع الوکاله و به طور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد از هر گونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است اعم از اینکه عناوین تدلیس از قبیل مشاور حقوقی و غیره اختیار کند یا این



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

که به وسیله شرکت و سایر عقود یا عضویت در مؤسسات خود را اصیل در دعوی قلمداد نماید. متخلف از یک الی شش ماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.»

۲-۵- موارد مسئولیت مدنی وکیل به مفهوم اخص

در ابتدا باید تاکید کرد که منظور از مسئولیت در اینجا، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری در مقابل موکل است و نه مسئولیت انتظامی وی در مقابل مراجع ذی صلاح که در پی تخلفات انتظامی از مقررات و قوانین وکالت می باشد. و وکیل دادگستری به موجب ماده ۲۵ قانون وکالت «مکلفند نظاماتی را که وزارت عدلیه برای آنها معین می نماید متابعت کنند». اما همان طور که گفته شد، آن چه به طور عمده در این قوانین (قوانین راجع به وکالت) به آن توجه شده، مسئولیت انتظامی وکلا است و نه مسئولیت مدنی.

باید افزود که در برخی موارد در این قوانین مقرراتی راجع به موارد مسئولیت مدنی ذکر شده است که به آن ها پرداخته می شود.

۱- تبصره ۲، ماده ۸ قانون وکالت: «در صورتی که وکیل در دوره آزمایش طبق نظامنامه از طرف یکی از وکلا در محاکمات دخالت نماید مسئولیت اعمال او متوجه وکیلی است که او را تعیین نموده و هر گاه از طرف معاضدت قضایی کار به او احاله شود بایستی تحت هدایت و نظارت معاضدت قضایی انجام وظیفه نماید.»

در خصوص وکیلی که در دوره کارآموزی فعالیت می کند، با توجه به اطلاق ماده در مورد کلمه «مسئولیت» و این که ماده ۸ در فصل «وکیل و شرایط وکالت» آمده است و نه فصل «تعقیب و مجازات انتظامی وکلا» می شود برداشت کرد که مسئولیت سرپرست در دعاوی که خود به کارآموز ارائه داده است، شامل مسئولیت مدنی نیز می شود. این تفسیر علاوه بر سازگاری با ظاهر ماده، باعث ایجاد مسئولیت استاد (سرپرست) در مقابل کارآموز می شود.

۲- ماده ۲۹ قانون وکالت: «از وکلایی که حق وکالت در توکیل دارند هیچ عذری برای عدم حضور در جلسه مقرر، پذیرفته نمی شود. هرگاه وکیلی در یک ساعت در دو محکمه دعوت شده باشد باید به یکی از دو محکمه که نسبت به دعوی مطروح در آنجا وکالت در توکیل دارد وکیل بفرستند و در دیگری خود حاضر شود.»

در فرض ماده، اگر وکیلی در یک ساعت در دو محکمه دعوت شده باشد، در صورتی که بدون عذر موجه از اجرای ماده فوق سر باز زند، و در این رابطه به موکل خود خساراتی وارد آید، به همین علت، مرتکب تقصیر شده است و در مقابل وی مسئول جبران خسارت است. بعلاوه بند ۱ ماده ۷۸ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا دادگستری؛ در خصوص دعوت به محکمه کیفری و حقوقی ترتیب خاصی را مقرر داشته که لازم الرعایه می باشد. «متخلف از هر یک از موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه ۳ محکوم خواهد شد:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۱_ چنانکه به دو یا چند محکمه دعوت شود و جمع بین اوقات مزبور ممکن نباشد باید حضور در دیوان کیفر و دیوان جنائی را مقدم بدارد و در سایر محاکم، در محکمه که وقت آن زودتر ابلاغ شده حاضر گردد.»

۳- ماده ۳۰ قانون وکالت: «وکیل باید اسراری که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.»

در صورتی که وکیل دادگستری به هر علت از اسرار و اطلاعات موکل خود محافظت نکند و در پی تقصیر وی این اطلاعات موجب لطمه زدن به حیثیت و شرافت و اعتبار موکل شود، علاوه بر مسئولیت انتظامی، مسئول جبران خسارات مادی و معنوی موکل، مطابق قانون مدنی و مسئولیت مدنی خواهد بود.

۴- ماده ۳۶ قانون وکالت: «در صورتی که وکیل بخواهد از وکالت استعفاء نماید باید قبلاً طوری به موکل و محکمه اطلاع دهد که موکل بتواند وکیل دیگری در موقع برای خود معین و به محکمه معرفی کند.»

در موردی که استعفای موکل در مقطعی بوده است که امکان انتخاب وکیل برای طرف مقابل نبوده و یا امکان اقدام از سوی شخص موکل فراهم نباشد، به عنوان مثال در صورتی که وکیل در زمانی استعفا دهد که فرصت تجدیدنظر خواهی برای موکل از دست برود، وی مطابق قانون مرتکب تقصیر شده و مسئول جبران خسارت موکل خود می‌باشد. البته به نظر می‌رسد که دادگاه در صدور حکم، باید نسبت به امکان صدور حکم به نفع موکلی که در مرحله نخستین محکوم شده است را در مرحله تجدیدنظر بسنجد و قطعاً این قضیه در برآورد خسارت موکل موثر است.

۵- ماده ۳۸ قانون وکالت: «وکلا نباید به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای رد قاضی یا حکم یا وکیل مدافع طرف یا به منظور تطویل محاکمه به وسیله خدعه‌آمیزی متوسل شوند. در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهند شد.»

در فرض مساله هر گونه خسارتی که در نتیجه ابطال و فسخ حکم متوجه موکل شود، وکیل به علت ارتکاب تقصیر سنگین، مسئول به جبران خسارت است.

۶- ماده ۴۱ قانون وکالت: «در صورتی که خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود از قبیل آن که وکیل با طرف موکل ساخته و بالنتیجه حق موکل را تضییع نماید به محرومیت ابدی از شغل وکالت محکوم خواهد شد و موکل می‌تواند خسارات وارده بر خود را از او مطالبه نماید.»

۷- ماده ۴۴ قانون وکالت: «وکلا باید پس از ابلاغ حکم و یا قرار و یا اخطاری که مستلزم انجام امر یا دادن خرجی از طرف موکل است به اسرع اوقات به موکل یا متصدی امور او کتباً اطلاع دهند به طوری که تفویض حقی از او نشود.»

از آن جا که اخطاریه‌ها و ابلاغیه‌ها پس از تعیین وکیل، به محل اقامت وکیل ابلاغ می‌شود، در صورتی که به فرض مثال؛ دادگاه اخطاری راجع به پرداخت دستمزد کارشناس ظرف یک هفته صادر کرده باشد، و پس از وصول ابلاغ به



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

وکیل، مطابق نص ماده ۴۴ قانون وکالت، وی مکلف به اطلاع رسانی به موکل می‌باشد. در صورت عدم اطلاع رسانی به موکل، به علت از دست دادن دلیل کارشناسی، اگر به موکل خسارتی به این جهت وارد شده باشد، وکیل مسئول جبران تمامی خسارات وارده به وی می‌باشد.

در این گفتار مواردی از مسئولیت وکیل در قوانین خاص وکالت مطرح و بررسی شد. لیکن نکته قابل توجه آن که، مسئولیت مدنی قابل احصا نبوده و آن چه ذکر شد صرفاً مواردی بود، که بر حسب تتبع در قوانین مربوط به آن یافت شده است. با این حال قانون گذار به درستی، در قانون مسئولیت مدنی موارد مسئولیت را بر نهمرده است، و با بیان قاعده کلی (تقصیر و ورود ضرر مسلم) فی الواقع تمام موارد مسئولیت را مشمول گفتار خود نموده است.

۵-۳- ضمانت اجرا مسئولیت مدنی وکیل به مفهوم اخص

وکیل دادگستری نیز، همانند وکیل مدنی، امین است و اقدامات و تصرفات وی حمل بر صحت می‌شود، مگر این که مرتکب تقصیر شود و تقصیر وی در مرجع صالح اثبات شود، در این صورت و در صورت ورود ضرر مسلم؛ وکیل مسئول جبران خسارت است.

در خصوص مسئولیت مدنی در قوانین خاص وکالت در دعوا، مطلبی ذکر نشده است، لذا در اجرای جبران خسارت و شرایط آن باید به قوانین عام (قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی) مراجعه کرد. و مطابق آن‌ها عمل نمود. البته این قوانین در اثبات تقصیر وکیل نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کنند به عنوان مثال حفظ اسرار موکل، لزوم اطلاع رسانی ابلاغیه‌ها و اخطاریه‌ها به موکل، مسئولیت سرپرست در برابر کارآموز و ... که همگی نمونه‌ای از تقصیر در انجام وظایف است.

نتیجه گیری:

مقرراتی که در حوزه مسئولیت مدنی به تصویب رسیده است، به طور مطلوبی حقوق مادی و معنوی اشخاص را مورد توجه قرار داده است. چراکه هم در قانون مدنی ابواب اتلاف و تسبیب و باب وکالت، و هم در قانون مسئولیت مدنی به نحو عام الشمول، قواعد این امر مورد بررسی قرار گرفته است.

در این مقررات، تقصیر به عنوان مبنای اصلی مسئولیت در برابر زیان های مادی و معنوی وارده به اشخاص شناخته شده است.

وکیل به مفهوم اعم و اخص خود نیز؛ مشمول این مقررات است که به صورت موردی در اینجا بررسی شده است. وکلا اعم از مدنی و دادگستری در صورت ارتکاب اعمال مضر به حال اشخاص؛ در دو مورد، مسئول جبران ضرر و زیان های وارده هستند، یک مورد آن جاست که وکیل عملی را عمداً به ضرر موکل انجام داده باشد و دیگری در جایستی که وی با ارتکاب عملی که مشمول عنوان تقصیر است زبانی به دیگری وارد کرده باشد، که در این مورد اخیر تفاوتی بین عمد و غیر عمد وجود ندارد و تنها در صورت وجود شروط مذکور در قانون، از جمله وجود انتساب عمل به وکیل جبران ضرر به وی تحمیل می‌شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

منابع:

- قران کریم.
- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷.
- قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۸.
- قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹.
- قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵.
- آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا دادگستری مصوب ۱۳۳۴.
- ۱- امامی، سید حسن. حقوق مدنی. جلد چهارم و پنجم، تهران: انتشارات اسلامی، بی تا.
- ۲- امینی، آیتی، فقه استدلالی، ترجمه سید مهدی دادمزنی، جلد دوم، چاپ سی و پنجم. قم: کتاب طه، ۱۳۹۵.
- ۳- موسوی بجنوردی، سید محمد حسن، قواعد الفقهیه، چاپ سوم. تهران: موسسه عروج، ۱۴۰۱.
- ۴- بیات، بیات، شرح جامع قانون مدنی، چاپ نوزدهم. تهران: انتشارات ارشد، ۱۳۹۹.
- ۵- جمعی از مولفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، جلد یازدهم و دوازدهم، چاپ اول. قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی. بی تا.
- ۶- محقق حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد سوم، چاپ دوم. قم: موسسه اسماعیلیان، ۱۳۰۸.
- ۷- زمخشری، ابوالقاسم، محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث، جلد دوم، چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷.
- ۸- صفایی، رحیمی، مسئولیت مدنی، چاپ دهم، تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۹۶.
- ۹- طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، جلد دوم، چاپ دوم، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۱۸.
- ۱۰- عمید، حسن (۱۳۷۴). فرهنگ عمید، چاپ پنجم، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر ۱۳۷۴.
- ۱۱- فیومی، احمد بن محمد مقری، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، جلد دوم، چاپ اول، قم: منشورات دار الرضی. بی تا.
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، درس هایی از عقود معین، جلد دوم، چاپ شانزدهم. تهران: گنج دانش، ۱۳۹۰.
- ۱۳- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چاپ پنجاه و سوم. تهران: میزان، ۱۳۹۶.
- ۱۴- موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی. جلد سوم، چاپ بیست و یکم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵.
- ۱۵- نراقی، مولی محمد بن ابیذر، انیس التجار محشی، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵.